

## نقش ایران باستان و سده‌های میانه در تاریخ و فرهنگ جهان

۱. ایران هخامنشی: ایران همواره نقش بسیار مهمی در تاریخ فرهنگ جهان داشته است. ایران باستان در عهد هخامنشی یکی از قدرت‌های بزرگ دریایی در جهان باستان بود؛ و ارتباط بسیار نزدیکی با بابل، مصر، یونان و هند باستان داشت. مذهب ایرانی آتش مقدس زرتشتی بر فلسفه‌ی هراکلیت - که معتقد بود آتش عنصر اصلی تمام مواد است - تاثیر گذارده بود. فلسفه‌ی نئوی (دوگرایی) زرتشتی تاثیر زرفی بر بسیاری از نظام‌های فلسفی باستانی داشته است. برخی از آلات موسیقی ایرانی بر موسیقی یونان اثرگذار بوده است، به‌ویژه نام یونانی «کتارا» از واژه‌ی پارسی «سه تار» می‌آید (نیز واژه‌ی «گیتار» را با نام آلات موسیقی کنونی ایران و آسیای میانه «دوتار» و «سه تار» مقایسه کنید).

ایران باستان قدرت دریایی عظیمی بود؛ بنابراین مطالب اساسی جغرافیایی بتلمیوس درباره‌ی چین و دیگر کشورهای شرق دور از منابع ایرانی اخذ شده است؛ به‌ویژه نامشهر بتلمیوسی «اسفیترا» (Asphithra) بی‌گمان از نامشهر ایرانی «شتره» (= شهر، امروزی) گرفته شده است. در ظاهر قطب‌نمای مغناطیسی را نخستین بار ایرانیان اختراع کردند و چینیان آن را از دریانوردان ایرانی برگرفتند. قابل توجه است هر دو نام پارسی و چینی قطب‌نما «قبله‌نما» و «چین آن چن» به معنای «جنوب نما» است.

۲. مهرپرستی (= میترا‌یسم): آیین هند و ایرانی مهرپرستی در امپراتوری روم و بسیاری از کشورهای اروپا و آسیا رواج داشته است. نام این آیین از نام پارسی باستان خورشید - «میترا» (= «مهر» کنونی) - گرفته شده است. مهم‌ترین ردهای این آیین در اروپا و هم در آسیا نام‌های نجومی روزهای هفته است. هفته (هفت روزه) را یهودان باستان موافق با هفت روز آفرینش در کتاب مقدس (تورات) باب کردند که جایگزین هفته‌های هفت - هشت روزه‌ی بابلی شد و این‌ها

۱. این گفتار Boris Rosenfeld (از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا) در بیستمین کنگره‌ی بین‌المللی تاریخ علم (لیژ، بلژیک، ژوئیه‌ی ۱۹۹۷) ارائه شده است.

با اهلهی قمر مشخص می شدند. اما رابطهی نام‌ها با سیارات بی‌گمان از بابلی‌ها وام گرفته شده است. نام‌های رومی سیارات بر روزهای هفته را غالب ملت‌های اروپایی به کار بردند، چه اسامی رومی یکسره نجومی است. در مورد نام‌های ژرمنی، برخی از نام‌خداهای رومی جای به هم نام‌های ژرمنی سپردند. اسامی هندی هم نام‌های اصیل نجومی هستند. طبق آیین آتش مقدس در ایران باستان، مهرپرستان روز تعطیل را از شنبه به یکشنبه تغییر دادند؛ و براین باور بودند که یکشنبه «روز خداوند» (= روز خورشید یا مهر) است. مهرپرستان تاثیر عظیمی بر مسیحیت داشته‌اند به‌ویژه این که مسیحیان تعطیلی یکشنبه و «dies Domini» (یوم‌الله) را از مهرپرستان اخذ کرده‌اند.

پس از زرتشتیگری و مهرپرستی، مذهب بودایی که ریشه‌ی هندی دارد در ایران پیش از اسلام و آسیای میانه رواج داشته است. این مذهب نخست از هند به ایران و آسیای میانه آمد و سپس از آن جا و از طریق جاده‌ی بزرگ ابریشم به چین رفت. هم از این طریق بود که نام‌های نجومی هندی به صورت پارسی و سغدی‌شان («می» از «مهر» برای یکشنبه، «مو» از «ماه» برای دوشنبه و...) به چین سده‌های میانه راه یافت. بعدها در بعضی کشورهای بودایی مذهب شرق دور به‌ویژه در کره و ژاپن، پنج همتام چینی چنانچه همتایان نجومی خود شدند.

۳. ایران ساسانی: ایران ساسانی که پایتخت آن تیسفون در نزدیکی ویرانه‌های بابل واقع بود، قدرت بزرگ سده‌های میانه و رقیب امپراتوری بیزانس (روم شرقی) محسوب می شد. جدول‌های نجومی ایرانیان، «زیگ»ها، تاثیر برجسته‌ای بر پیدایش «زیج»های مسلمانان سده‌های میانه داشتند، که نامشان نیز ماخوذ از «زیگ» پارسی است. زیج خوارزمی که حاوی بسیاری نام‌های کهن پارسی اختران است، تحت تاثیر «زیج شاه» (زیج شهریار) قرار دارد.

فلسفه‌ی ایرانی عهد ساسانی که متأثر از فلسفه‌ی یونان باستان بود به‌نوبه‌ی خود تاثیری نیرومند بر فلسفه‌ی اسلامی گذاشت. اصطلاحات فلسفی اسلامی برای ماده، جوهر و زمان از پارسی گرفته شده است.

مدرسه‌های مسلمانان به طرز دیرهای بودایی «ویهارا»ها ساخته شدند؛ که خود نیز الگوی ساخت دانشگاه‌های اروپایی قرار گرفتند. مسلمانان برای اولین بار در بخارا با «ویهارا» آشنا شدند (نام «بخارا» خود وجهی از «ویهارا» است) و نخستین مدرسه‌ها در همان بخارا پایه‌گذاری شد. بعدها مدرسه‌هایی در بغداد و اسپانیای مسلمانان ساخته شد و در آن جا بود که اروپاییان با آن‌ها آشنا شدند.

رساله‌ی جغرافیای ارمنی «توصیف عالم» منسوب به آنانیا شیراکی یا موسا خورنی تحت تاثیر رساله‌ی جغرافیای ایران پیش از اسلام است (برای نمونه در این رساله چین به نام پارسی

۴. ایران اسلامی: پس از غلبه ی اعراب، قدرت نظامی و دریایی ایران رو به افول نهاد (اگرچه امپراتوری‌های کوتاه مدتی در آن سرزمین پدید آمد، پس از آن ایران همچنان مرکز مهم علمی و فرهنگی باقی ماند). آثار دانشمندان مسلمان ایران و آسیای میانه: خوارزمی، رازی، فارابی، بیرونی، ابن سینا، عمر خیام، شرف‌الدین توسی، نصیرالدین توسی و جمشید کاشی، تاثیر بسزایی بر فلسفه، ریاضیات، ستاره‌شناسی، جغرافیا، پزشکی و شیمی در سراسر جهان گذاشتند. شایان ذکر است بعضی از این دانشمندان مانند خیام مردانی آزاداندیش و بعضی مانند نصیرالدین توسی از مقامات سیاسی مسلمانان بودند.

شعر پارسی بر شعر بسیاری از ملت‌ها تاثیر قوی داشته است. کلیات خمسه‌ی نظامی گنجوی، الگوی شاعران زیادی به‌ویژه در میان ملل مسلمان بوده است. قابل ذکر است «روبو و ژولیت» شکسپیر تحت تاثیر «لیلی و مجنون» نظامی و «شاهزاده خانم توراندت» کارلوگزی تحت تاثیر هفت پیکر او پدید آمده است (نام «توراندت» برگرفته از نام ایرانی «توراندخت» - دختر توران - است). منظومه‌ی «دلایر پلنگینه‌پوش» شاعر گرجی شوتاروستاوی نیز تحت تاثیر حماسه‌ی ایرانی است (برای نمونه نام قهرمان زن این منظومه «نستان دارجان» از کلمه‌ی «نیست اندر جهان» پارسی می‌آید).

## مرجع‌ها

1. M. Gliozzi. Storia della Fisica. Torino, 1965
2. B. Rosenfeld. Religions and the seven - day week - Ljull. Zaragoza 17, 1994, No 32, 141 - 156.
3. O.Neugebauer. The Astronomical Tables of al - khwarizmi. Translation with Commentaries. Historik - filosofiske Skifter udgivet af det kong. Danske Videnskabernes Selskab. Köbenhavn.4, 1962, No2.
4. G. J. Toomer. al - khwarizmi - Dictionary of Scientific Biography. 7, 1973, 358 - 365.
5. S. Pines. al - Razi - Dictionary of Scientific Biography. 11, 1971 323 - 326.
6. M. Mahdi and O.wright. al - Farabi. Dictionary of Scientific Biography. 4, 1971, 523 - 526.
7. E.S. Kennedy. al - Biruni. - Dictionary of Scientific Biography. 3, 1970, 141 - 158.
8. G. Anawati and Z.Iskandar. Ibn Sina, - Dictionary of Scientific Biography. 15, 1978, 230, 249.
9. A. Youschkevitch and B. Rosenfeld. khayyam. - Dictionary of Scientific Biography. 7, 1973, 323 - 334.
10. A. Anbuba. al - tusi, Sharaf al - Tusi. - Dictionary of Scientific Biography. 13, 1976, 514 - 517.
11. S.H. Nasr. al - Tusi, Nasir al - Din. Dictionary of Scientific Biography. 13, 1976, 247 - 253.
12. A. Youschkevitch and B.Rosenfeld. al - Zāhī. - Dictionary of Scientific, Biography. 7, 1973, 255 - 262.